

بیان توسعه از طریق تعلیل مذکور در آیه

بیان توسعه به این شکل است که فقره «بما فضّل الله بعضهم علی بعض» هر چند مطابق تحقیق گذشته در مورد شوهران و همسران ایشان است، به ویژه با توجه به تعلیل دوم یعنی «بما انفقوا من اموالهم» که آشکارا اختصاص به شوهران دارد، لکن می‌توان - با توجه به مناسبت حکم (قوام بودن) و موضوع (رجال) و فهم عرف - به راحتی استفاده کرد که ملاک قوام بودن، فضیلت متناسب قائم بر من علیه القیام است؛ البته در مورد آیه، علت دیگری هم ذکر شده است. مناسبت علت دوم هم کاملاً قابل فهم است؛ با این بیان که وقتی مخارج خانه بر عهده مرد است، خود او هم باید دخل و خرج را مدیریت کند و مدیریت دخل و خرج، بخش معتناهی از مدیریت خانه است.

با این توضیح معلوم می‌شود که هرگز نباید تصور کرد مفاد آیه این است که چون پول دست مرد است و اوست که نفقه را تامین می‌کند، پس به صرف این جهت، مرد قائم بر همسر خویش است!!

بررسی توسعه از طریق تعلیل اول و دفاع از آن

به نظر ما آن چه در بند سابق بیان شد، قابل دفاع است؛ به همین دلیل ما در سابق، از این آیه برای اثبات ولایت عاقلان عادل و خبیر بهره بردیم؛ لکن باید دید هدف از این بهره بردن چیست؟ اگر این باشد که تصدی تمام پست‌های مشوب به ولایت به نحو عام استغراقی، اختصاص به جنس مردان دارد و جنس زنان در این باره سهمی ندارند؛ به اعتقاد ما این برداشت از آیه صحیح نیست. آن چه از آیه قابل برداشت است این است که مردان بر همسران خویش به دلیل توانایی بیشتر (نوعی) و مسئولیت مخارج قائم‌اند و بالطبع در اداره جامعه هم، صاحبان توانایی بیشتر باید جامعه را اداره کنند؛ اما این که مردان در همه پست‌های مشوب به ولایت توانایی بهتری دارند، به طوری که باعث اداره بهتر جامعه و ... می‌شود، به هیچ وجه مفاد آیه نیست.

آیا می‌توان گفت: جنس زن نباید عهده‌دار اداره حتی کودکان، دبستان، اداره کوچک - که مردی در آن هست - شود، چون: الرجال قوامون الخ؟

واضح است که در این گونه موارد نمی‌توان مسأله غلبه را مطرح کرد و گفت: معیار توانایی اشخاص به نحو عام استغراقی و جدا جدا نیست؛ معیار توانایی غالب است، آن گونه که در مورد شوهران و همسران وجود دارد؛ زیرا در پاسخ گفته می‌شود: مسأله غلبه، توجیه‌کننده حکم مذکور و مکشوف در مورد است و به کار توسعه با تعلیل نمی‌خورد! به عنوان مثال: در آیه مورد بحث، نمی‌توان انکار کرد که غالب مردان برای اداره خانه، اولی از زن هستند و همین را خداوند دستمایه قوام بودن مردان بر زنان قرار داده است، حتی در جایی که ممکن است زن توانایی بهتری برای اداره خانه داشته باشد (البته اگر مرد به قدری در اداره خانه ضعیف باشد که بر خلاف مصلحت اهل خانه تصمیم بگیرد، ولایت او ساقط است؛ زیرا این قیومیت و ولایت، مشروط به اقدام صالحانه و مصلحانه است).

لکن اگر خواستیم از تعلیل آیه استفاده کنیم و آن را در غیر مورد، به کار ببریم، حق نداریم به عنوان فقیه فهمنده نص ملاحظه غالب را بکنیم؛ قهرا اگر در جایی که زنی مثل مرد یا بالاتر از او اداره می‌کند، قائل شویم اعتبار به غالب است و در این جا زن نباید عهده دار شود و مرد باید عهده دار گردد؟

ضمن این که در آیه گفته نشده : بما فضل الله الرجال علی النساء تا تفضیل علی وجه الغالب هم استفاده کنیم (دقت کنید).

در ادامه گفتگو از آیه، مطالب دیگری در همین راستا ارائه خواهیم داد.

بیان توسعه از طریق اولویت

توسعه از طریق اولویت این بود که فرضا آیه کریمه - کلا - اختصاص به خانواده داشته باشد، آیا نمی‌توان گفت :

وقتی در اداره خانه، این مرد است که باید عهده‌دار اداره خانه شود و در مواقع تصمیم، این تصمیم اوست که حاکم بر اهل خانه است، به طریق اولی می‌توان در جامعه هم این مدل را پیاده کرد؟

بررسی توسعه از طریق اولویت و نقد آن

به اعتقاد ما این اولویت، قابل مناقشه است؛ زیرا فرض بر این است که قائل به اولویت، معتقد است آیه حتی در بخش تعلیل اول آن، اختصاص به مدیریت خانه دارد که در مدیریت خانه، مخارج بر عهده مرد است؛ قهرا در اولویت باید همه این ویژگی‌ها منعکس شود تا توسعه صورت گیرد؛ مثلا اگر فردی که عهده‌دار مخارج یک نهاد است به ویژه اگر اداره دخل و خرج آن مجموعه رکن اساسی مدیریت آن نهاد باشد، باید مدیریت این مجموعه را عهده‌دار باشد و اگر احیانا امر و نهی داشت، اجرا شود تا به نحو مطلوب این مجموعه اداره گردد. نباید فراموش کرد که در بیان اولویت، قائل حق ندارد از عموم تعلیل استفاده کند که راهکار قبل بود.

استفاده از اولویت اقتضائات خود را دارد و با ملاحظه آن اقتضائات نمی‌توان مطلوب مستدل (منع تصدی زنان...) را از آیه برداشت کرد.